

اخبار و گزارش های کارگری 13 تیرماه 1405

- شهید راه آزادی فاطمه پورصادقی
- قاضی صلواتی برای ارغوان فلاحی، زندانی سیاسی ۲۵ ساله، به اتهام «بغی» حکم اعدام صادر کرده است.
- زندانی سیاسی شلیر مامقادی در پی محرومیت از درمان، ۲۷ کیلوگرم از وزن خود را از دست داد
- یک سال حبس برای نگین کیانی، عکاس و مدرس عکاسی
- بازگشت سه معلم اخراجی کوردستان به کلاس درس با رأی هیأت عالی نظارت
- اسکان گسترده و ارائه خدمات رفاهی به شرکت‌کنندگان تشییع علی خامنه‌ای در دانشگاه بهشتی
- غذا و بودجه هست اما نه برای دانشجویان؛ تشییع خامنه‌ای جنایتکار و بودجه ایدئولوژیک دانشگاه‌ها
- موج تازه اعتراضات ضد مهاجر در آفریقای جنوبی
- اتحادیه‌های کارگری: پاسخ به بحران، همبستگی کارگران است نه تقابل آنان
- اعتراض خیابانی ده‌ها هزار نفر در ارفورت آلمان علیه راست افراطی و سیاست‌های نژادپرستانه
- ده‌ها هزار نفر در فرانسه برای اعتراض به خشونت جنسی و ناکارآمدی دستگاه قضایی به خیابان آمدند
- جان باختن یک مرد 65 ساله در یک کارگاه نجاری متروکه محلات

*شهید راه آزادی فاطمه پورصادقی

او معلم بود؛
با گچ و تخته، الفبای زندگی را می‌آموخت...
اما روزی رسید که آخرین درسش را نه در کلاس، بلکه در خیابان‌های رشت نوشت.
گلولة، قلبش را نشانه گرفت؛
اما نتوانست ایمانش به آزادی را خاموش کند.
فاطمه رفت، اما شجاعتش در حافظه ایران ماندگار شد.

او به فرزندش، به شاگردانش و به همه ما آموخت که آزادی بهایی دارد و انسان‌های بزرگ، برای آرمان‌های بزرگ از جان خود نیز می‌گذرند.

نام فاطمه پورصادقی تنها نام یک معلم نیست؛

نام زنی است که درس آزادگی را با خون خود امضا کرد.

یادش جاودان، راهش پررهرو، و نامش تا همیشه در قلب ایران زنده خواهد ماند.

پ ن : فاطمه پور صادقی، معلم و مادر یک پسر ۸ ساله از رودبار در ۱۹ دی ماه، با گلوله ماموران، خونش سنگفرش خیابان‌های رشت شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***قاضی صلواتی برای ارغوان فلاحی، زندانی سیاسی ۲۵ ساله، به اتهام «بغی» حکم اعدام صادر کرده است.**

او از ۶ بهمن ۱۴۰۳ در بازداشت به سر می‌برد و پنج ماه را در سلول انفرادی، تحت بازجویی، سپری کرده است.

صدای ارغوان و دیگر زندانیان سیاسی باشیم.

#نه_به_اعدام

#زندان_سیاسی

#صدای_بازداشتی‌ها

دانشگاه تهران- دانشجو

***زندان سیاسی شلیر مامقادی در پی محرومیت از درمان، ۲۷ کیلوگرم از وزن خود را از دست داد**

شلیر مامقادی، زندانی سیاسی محبوس در زندان ارومیه و مبتلا به سرطان سینه، در پی تداوم محرومیت از خدمات درمانی، دارو و مراقبت‌های پزشکی، طی ماه‌های گذشته حدود ۲۷ کیلوگرم از وزن خود را از دست داده و گزارش‌ها از وخامت روزافزون وضعیت جسمانی او حکایت دارند.

شلیر مامقادی، زندانی سیاسی ۳۴ ساله اهل مهاباد، از زمان بازداشت مجدد خود در نوزدهم فروردین ۱۴۰۵ تاکنون، حدود ۲۷ کیلوگرم از وزن خود را از دست داده است. یک منبع نزدیک به خانواده وی با ابراز نگرانی از وضعیت جسمانی او اعلام کرده است که این کاهش شدید وزن، نتیجه تداوم محرومیت از دسترسی به دارو، خدمات درمانی تخصصی و رسیدگی پزشکی متناسب با شرایط بیماری او است.

تداوم بازداشت این زندانی سیاسی همزمان با محرومیت از درمان، کاهش شدید وزن، سابقه شکنجه و وخامت وضعیت جسمانی، نگرانی‌های گسترده‌ای را درباره سلامت و جان وی برانگیخته است.

تا زمان تهیه این گزارش، از اتهامات وارده علیه شلیر مامقادی اطلاعی در دست نیست.

***یک سال حبس برای نگین کیانی، عکاس و مدرس عکاسی**

نگین کیانی، عکاس و مدرس عکاسی ساکن بابل، از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب این شهرستان به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شده است.

جلسه رسیدگی به اتهام خانم کیانی روز دوشنبه ۲۵ خردادماه در شعبه اول دادگاه انقلاب بابل برگزار شده بود و در نهایت این دادگاه حکم یک سال حبس را برای وی صادر کرد.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، مصادیق اتهام انتسابی به نگین کیانی، استفاده از هشتک‌های «نه به اعدام»، «زن، زندگی، آزادی» و «همدلی با زندانیان سیاسی» در فضای مجازی عنوان شده است.

منبع 2 خبربالا: کانال ندای زنان ایران

***بازگشت سه معلم اخراجی کوردستان به کلاس درس با رأی هیأت عالی نظارت**

سه تن از فعالان صنفی فرهنگیان کوردستان، مجید کریمی، غیاث نعمتی و جهانگیر بهمنی، با رأی هیأت عالی نظارت بر رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت، به محل کار خود بازگشتند.

این معلمان که در جریان پیگیری مطالبات صنفی فرهنگیان و دفاع از بهبود معیشت معلمان، آموزش رایگان و ارتقای کیفیت نظام آموزشی، با احکام اخراج از سوی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری مواجه شده بودند، با پیگیری‌های قانونی خواستار بررسی دوباره پرونده‌های خود شدند.

بر اساس اعلام این فعالان صنفی، هیأت عالی نظارت پس از بررسی مجدد پرونده‌ها، رأی به بازگشت آنان به کار صادر کرده است. این رأی در روزهای نخست تیرماه به اداره کل آموزش و پرورش استان کوردستان ابلاغ و منجر به صدور احکام اشتغال و ابلاغ تدریس برای این سه معلم شده است.

انجمن صنفی معلمان کوردستان، در پیامی ضمن قدردانی از همراهی و حمایت همکاران، ابراز امیدواری کرده‌اند که با ادامه روند رسیدگی، زمینه بازگشت سایر معلمان اخراجی نیز فراهم شود و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری با صدور آرای عادلانه، امکان بازگشت همه فرهنگیان محروم‌شده از تدریس را فراهم آورند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بازگشت مجید کریمی، غیاث نعمتی و جهانگیر بهمنی به کلاس درس را گامی مثبت در جهت احقاق حقوق معلمان می‌داند، اما تأکید می‌کند که صدور احکام اخراج، انفصال از خدمت و بازنشستگی اجباری علیه فعالان صنفی از ابتدا اقدامی ناعادلانه و مغایر با حقوق قانونی معلمان بوده است. شورای هماهنگی ضمن استقبال از این تصمیم، بار دیگر خواستار لغو تمامی احکام صادرشده علیه معلمان و فعالان صنفی، بازگشت بی‌قید و شرط همه فرهنگیان اخراجی و پایان دادن به برخوردهای امنیتی و اداری با کنشگران صنفی است.

#خبر_تکمیلی

نقض احکام اخراج سه معلم سنندجی در هیئت عالی نظارت؛ بازگشت موقت آنان به کلاس درس

بر اساس اطلاعات منتشرشده، هیئت عالی نظارت بر رسیدگی به تخلفات اداری، احکام «انفصال دائم» مجید کریمی و «اخراج دائم» جهانگیر بهمنی و غیاث نعمتی را نقض کرده و پرونده این سه معلم را برای رسیدگی مجدد به هیئت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش بازگردانده است.

این احکام در ادامه روندی صادر شده است که طی آن، در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴، شماری از معلمان استان کردستان با احکام اخراج، انفصال از خدمت، بازنشستگی اجباری و تبعید مواجه شدند. پس از اعتراض این معلمان، پرونده‌های آنان در هیئت عالی نظارت مورد بررسی قرار گرفت.

بر اساس این تصمیم، مجید کریمی، جهانگیر بهمنی و غیاث نعمتی تا زمان صدور رأی نهایی هیئت تجدیدنظر، به صورت موقت به حرفه معلمی بازمی‌گردند.

در مقابل، گزارش‌ها حاکی از آن است که احکام صادرشده برای برخی دیگر از معلمان بدون تغییر باقی مانده است. بر این اساس، حکم بازنشستگی اجباری لیلا زارعی و نسرین کریمی، حکم یک سال انفصال از خدمت لقمان الله‌مرادی، حکم شش ماه انفصال شهرام کریمی و حکم پنج سال تبعید فیصل نوری همچنان به قوت خود باقی است.

***اسکان گسترده و ارائه خدمات رفاهی به شرکت‌کنندگان تشییع علی خامنه‌ای در دانشگاه بهشتی**

در حالی که معاونت دانشجویی با دستور ریاست دانشگاه از ارائه خوابگاه و خدمات رفاهی به دانشجویانی که به اتهام شرکت در تجمعات اعتراضی دی، بهمن و اسفند سال گذشته به کمیته احضار شده‌اند خودداری نموده، دانشگاه شرکت‌کنندگان مراسم تشییع علی خامنه‌ای را به جای دانشجویان اسکان می‌دهد!

از سوی دیگر علاوه بر اسکان، در وضعیتی که وزارت علوم به دنبال تعطیلی سلف‌های دانشگاه‌ها است و در مقابل هر خواسته صنفی از سوی دانشجویان، بهانه کمبود بودجه را پیش می‌کشد، دانشگاه از بودجه دانشجویان، خدمات رفاهی از قبیل پذیرایی و سرویس‌های ایاب و ذهاب در اختیار این شرکت‌کنندگان قرار می‌دهد!

صنف مستقل دانشجویان بهشتی

***غذا و بودجه هست اما نه برای دانشجویان؛ تشییع خامنه‌ای جنایتکار و بودجه ایدئولوژیک دانشگاه‌ها**

به گزارش فرهیختگان، دانشگاه تهران پذیرای حداقل ۵ هزار نفر از شرکت‌کنندگان تشییع علی خامنه‌ای خواهد بود و برای آن‌ها امکانات کامل اسکان و خدمات تغذیه‌ای شامل صبحانه، ناهار و شام فراهم می‌کند.

این مساله تنها محدود به دانشگاه تهران نیست بلکه رئیس دانشگاه علامه نیز از آمادگی کامل این دانشگاه برای میزبانی، پذیرایی و اسکان بیش از دو هزار شرکت‌کننده در مراسم خامنه‌ای خبر داده است. همچنین دانشگاه بهشتی و خواجه‌نصیر نیز از پذیرایی از شرکت‌کنندگان خبر داده‌اند.

در حالی دانشگاه‌های تهران، بهشتی، خواجه‌نصیر و علامه از امکانات اسکان کامل و ارائه تغذیه و پذیرایی برای شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع خامنه‌ای، خبر می‌دهند که در روزهای اخیر مساله حذف سلف مرکزی از کلیه دانشگاه‌ها مطرح بوده است. وزارت علوم سعی دارد به بهانه نبود بودجه سلف مرکزی را از تمامی دانشگاه‌ها حذف کند و اندک اندک تمامی خدمات رفاهی را از دانشجویان سلب کند.

اگر واقعا مساله کسری بودجه مطرح است، چطور برای اسکان، پذیرایی و تغذیه حدود هفت هزار نفر یک شبه منابع پیدا می‌شود اما نوبت به دانشجو که می‌رسد، از حذف سلف مرکزی و کاهش خدمات رفاهی حرف می‌زنند؟

این تناقض بار دیگر نشان می‌دهد که کسری بودجه بیشتر یک بهانه است. هر جا پای پروژه‌های ایدئولوژیک و نمایش‌های حکومتی در میان باشد، پول و امکانات بدون هیچ مانعی فراهم می‌شود اما وقتی صحبت از ابتدایی‌ترین حقوق و رفاه دانشجویان است، ناگهان همه چیز به نبود اعتبار گره می‌خورد. ظاهرا مشکل نه کسری بودجه، بلکه اولویت‌هایی است که هیچ نسبتی با مطالبات دانشجویان ندارد.

منبع: کانال دانشجویان متحد

***موج تازه اعتراضات ضد مهاجر در آفریقای جنوبی**

اتحادیه‌های کارگری: پاسخ به بحران، همبستگی کارگران است نه تقابل آنان

بار دیگر آفریقای جنوبی درگیر موجی از اعتراضات و تجمع‌های ضد مهاجران شده است. در روزهای پایانی ژوئن و آغاز ژوئیه 2026، شهرهایی چون ژوهانسبورگ، پرتوریا، دوربان و سووتو شاهد راهپیمایی‌هایی بودند که در برخی مناطق با حمله به مغازه‌های مهاجران، تخریب اموال، درگیری با پلیس و بازداشت‌های گسترده همراه شد. اما بسیاری از اتحادیه‌های کارگری هشدار می‌دهند که قربانی کردن کارگران مهاجر، نه بحران بیکاری را حل می‌کند و نه مانع گسترش فقر خواهد شد.



«تجمع‌های ضد مهاجر در ژوهانسبورگ بار دیگر نگرانی‌ها درباره افزایش خشونت و گسترش بیگانه‌هراسی را تشدید کرده است.»

دولت برای جلوگیری از گسترش خشونت، هزاران نیروی نظامی را در کنار پلیس مستقر کرد. اما پرسش اصلی همچنان پابرجاست؛ آیا مهاجران عامل بحران اقتصادی آفریقای جنوبی هستند یا خود قربانی همان بحرانی‌اند که میلیون‌ها نفر از اهالی این کشور نیز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند؟

مهاجران؛ ارزانترین نیروی کار بازار

بیشتر مهاجران از زیمبابوه، موزامبیک، مالاوی، لسوتو و اسواتینی به آفریقای جنوبی آمده‌اند. آنان عمدتاً در معادن، ساختمان، کشاورزی، رستوران‌ها و مشاغل خدماتی فعالیت می‌کنند.

بسیاری فاقد قرارداد رسمی هستند و کارفرمایان با سوءاستفاده از وضعیت اقامتی آنان، دستمزدهای پایین‌تر، ساعات کار طولانی‌تر و شرایط کاری ناایمن را تحمیل می‌کنند.

به همین دلیل، مهاجران نه تنها قربانی خشونت خیابانی بلکه قربانی استثمار روزانه در محیط کار نیز هستند.



«بخش بزرگی از مهاجران در معادن، ساختمان و کشاورزی با قراردادهای موقت و دستمزدهای پایین مشغول کار هستند.»

چه کسانی از این وضعیت سود می‌برند؟

جنبش کارگری پاسخ روشنی دارد؛

هرگاه کارگران بر اساس ملیت، زبان یا محل تولد از یکدیگر جدا شوند، تنها برنده این شکاف، صاحبان سرمایه هستند.

کارفرمایی که بتواند مهاجر را با دستمزدی پایینتر استخدام کند، فردا همان دستمزد پایین را به کارگر بومی نیز تحمیل خواهد کرد.

به همین دلیل است که بسیاری از اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی هشدار داده‌اند:

بیگانه‌هراسی، ابزار ارزان‌سازی نیروی کار است.

موضع سندیکاها؛ دشمن کارگر، کارگر نیست



«اتحادیه‌های کارگری تأکید می‌کنند که پاسخ به بحران، همبستگی کارگران است، نه تقابل میان آنان.»

اتحادیه‌های بزرگ کارگری از جمله COSATU و SAFTU ضمن محکوم کردن خشونت علیه مهاجران اعلام کرده‌اند:

بیکاری محصول سیاست‌های اقتصادی است، نه حضور مهاجران.

کارفرمایانی که از نیروی کار مهاجر سوءاستفاده می‌کنند باید تحت پیگرد قرار گیرند.

همه کارگران، صرف‌نظر از ملیت، باید از حقوق برابر، دستمزد برابر و حق تشکیل‌یابی برخوردار باشند.

فعالان کارگری تأکید می‌کنند که اگر امروز مهاجران هدف قرار گیرند، فردا همین سیاست علیه دیگر بخش‌های طبقه کارگر نیز به کار گرفته خواهد شد.

ریشه‌های واقعی بحران:

بیکاری گسترده

رکود سرمایه‌گذاری

نابرابری شدید

خصوصی‌سازی

فساد

افزایش هزینه‌های زندگی

در چنین شرایطی، ساده‌ترین راه برای برخی جریان‌های پوپولیستی، معرفی مهاجران به عنوان «مقصر» است؛ در حالی که شواهد اقتصادی چنین ادعایی را تأیید نمی‌کند.

رامحل از نگاه جنبش کارگری

فعالان سندیکایی بر چند مطالبه مشترک تأکید دارند:

- اجرای قانون کار برای همه کارگران

- برخورد با کارفرمایان متخلف

- دستمزد برابر برای کار برابر

- حق عضویت همه کارگران در سندیکاها

- مقابله با بیگانه‌هراسی و نژادپرستی

- ایجاد اشتغال پایدار از طریق سرمایه‌گذاری مولد



جمع‌بندی

بحران اقتصادی را نمی‌توان با حمله به کارگران مهاجر حل کرد.

هر ضربه‌ای که امروز به حقوق کارگران مهاجر وارد شود، فردا امنیت شغلی، دستمزد و کرامت همه کارگران را تهدید خواهد کرد.

تجربه جنیش کارگری نشان داده است که هر زمان کارگران به جای رقابت، همبستگی را برگزیده‌اند، قدرت بیشتری برای دفاع از حقوق خود به دست آورده‌اند.

«کارگر مهاجر و کارگر بومی، یک دشمن مشترک دارند؛ استثمار و بی‌عدالتی.»

***اعتراض خیابانی ده‌ها هزار نفر در ارفورت آلمان علیه راست افراطی و سیاست‌های نژادپرستانه**

روزشنبه 4 ژوئیه، هم‌زمان با برگزاری کنگره حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» (AfD) در شهر ارفورت، ده‌ها هزار نفر از فعالان اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های مدنی، گروه‌های ضد فاشیسم، تشکل‌های دانشجویی و احزاب چپ در یکی از بزرگترین اعتراض‌های سیاسی سال در آلمان شرکت کردند.



به گفته پلیس، حدود 31 هزار نفر در تظاهرات حضور داشتند، در حالی که برگزارکنندگان شمار شرکت‌کنندگان را بیش از 50 هزار نفر اعلام کردند. معترضان از نقاط مختلف آلمان به ارفورت آمدند و با ایجاد راه‌بندان، تحصن و راهپیمایی تلاش کردند برگزاری کنگره حزب راست افراطی را با اختلال روبه‌رو کنند.



در میان شرکت‌کنندگان، اعضا و هواداران اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های مدافع حقوق بشر، گروه‌های ضد نژادپرستی و ائتلاف ضد فاشیستی («Widersetzen» مقاومت) حضور پررنگی داشتند. شعار اصلی معترضان این بود که گسترش جریان‌های راست افراطی تهدیدی برای دموکراسی، حقوق کارگران، مهاجران و آزادی‌های مدنی است.



نیروهای پلیس با استقرار گسترده در اطراف محل برگزاری کنگره، مسیر حرکت معترضان را کنترل کردند. در برخی نقاط، هنگام تلاش معترضان برای بستن مسیرهای ورودی محل اجلاس، درگیری‌هایی میان پلیس و گروه‌هایی از تظاهرکنندگان رخ داد، اما مقام‌های محلی اعلام کردند که بخش عمده اعتراض‌ها به‌صورت مسالمت‌آمیز برگزار شد.

در داخل کنگره، حزب AfD بار دیگر آلیس وایدل و تینو خروپالا را به‌عنوان رهبران خود انتخاب کرد. رهبران این حزب با تکرار شعارهای ضد مهاجرت و ملی‌گرایانه، خود را آلترناتیوی برای احزاب سنتی معرفی کردند. رشد محبوبیت AfD در سال‌های اخیر، به‌ویژه در ایالت‌های شرق آلمان، نگرانی گسترده اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های مدنی و نیروهای مترقی را برانگیخته است.

از دیدگاه جنبش کارگری، رشد راست افراطی تنها یک مسئله انتخاباتی نیست. اتحادیه‌های کارگری آلمان بارها هشدار داده‌اند که سیاست‌های مبتنی بر نفرت‌پراکنی، نژادپرستی و تفرقه‌افکنی، همبستگی میان کارگران را تضعیف می‌کند و به جای مقابله با مشکلات واقعی مانند کاهش قدرت خرید، بحران مسکن، خصوصی‌سازی و ناامنی شغلی، مهاجران و اقلیت‌ها را هدف قرار می‌دهد.

شرکت گسترده اتحادیه‌ها و سازمان‌های اجتماعی در اعتراضات ارفورت نشان داد که بخش مهمی از جامعه آلمان، دفاع از حقوق کارگران، مهاجران و ارزش‌های دموکراتیک را جدایی‌ناپذیر می‌داند.

***ده‌ها هزار نفر درفرانسه برای اعتراض به خشونت جنسی و ناکارآمدی دستگاه قضایی به خیابان آمدند**

[illegible]

راهپیمایی اصلی پاریس از میدان باستیل آغاز شد و با حضور هزاران نفر به سمت میدان ناسیون ادامه یافت. شرکت‌کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی با شعارهایی مانند «از کودکان محافظت کنید»، «عدالت برای قربانیان» و «قانونی جامع علیه خشونت جنسی اکنون» خواهان اقدام فوری دولت شدند. هم‌زمان تجمع‌هایی در شهرهای مختلف فرانسه نیز برگزار شد.



ائتلاف برگزارکننده، متشکل از ده‌ها سازمان مدنی و فمینیستی، تأکید کرد که برخوردهای مقطعی پس از هر جنایت کافی نیست و فرانسه به یک قانون جامع برای پیشگیری از خشونت جنسی، حمایت از قربانیان، آموزش عمومی و تقویت امکانات قضایی نیاز دارد. فعالان این جنبش هشدار دادند که کمبود قاضی، دادستان، مددکار اجتماعی، روان‌شناس و امکانات حمایتی، روند رسیدگی به هزاران پرونده را با تأخیرهای طولانی روبه‌رو کرده است.



از نگاه جنبش کارگری، این اعتراض‌ها تنها واکنشی به یک جنایت هولناک نبود؛ بلکه اعتراضی به سیاست‌هایی است که سال‌ها خدمات عمومی را با کمبود منابع روبه‌رو کرده است. اتحادیه‌های کارگری و بسیاری از فعالان اجتماعی بارها هشدار داده‌اند که ریاضت اقتصادی، کاهش استخدام در بخش عمومی و محدود شدن بودجه نهادهای حمایتی، بیشترین آسیب را متوجه زنان، کودکان و اقشار فرودست جامعه می‌کند.

تجربه فرانسه بار دیگر نشان می‌دهد که مبارزه با خشونت علیه زنان تنها با تشدید مجازات‌ها ممکن نیست؛ بلکه مستلزم سرمایه‌گذاری گسترده در آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی، دستگاه قضایی و حمایت از قربانیان است. امنیت اجتماعی، همانند امنیت شغلی و حق برخورداری از خدمات عمومی، بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق مردم و از مطالبات اساسی جنبش‌های مترقی و کارگری به شمار می‌رود.

اعتراضات 4 ژوئیه بار دیگر نشان داد که جنبش زنان در فرانسه همچنان یکی از مهم‌ترین نیروهای اجتماعی در دفاع از حقوق انسانی، برابری و عدالت است و پیوند میان مبارزه برای حقوق زنان، دفاع از خدمات عمومی و عدالت اجتماعی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است.

***جان باختن یک مرد 65 ساله در یک کارگاه نجاری متروکه محلات**

یک مرد 65 ساله اهل شهرستان محلات، استان مرکزی در داخل حوضچه استخر یک کارگاه نجاری متروکه شهرستان محلات، استان مرکزی دچار برق‌گرفتگی شد و دردم جان باخت.

akhbarkargari2468@gmail.com

